

خبر کوتاه

زمان حضور استوکس در تهران مشخص شد

مهاجم ایرلندی جدید باشگاه پرسپولیس امشب وارد تهران می‌شود.

باشگاه پرسپولیس پس از کش و قوس‌های فراوان موفق به جلب نظر آنتونی استوکس برای پرداخت بخش اول پول قراردادش در تهران شد تا این بازیکن ضمن پذیرش آن تصمیم ترک دبی و حضور در تهران کند.مهاجم جدید ایرلندی جدید باشگاه پرسپولیس که یک هفته‌ای در دویی بود قرار است امروز یکشنبه شب در تهران حاضر شود. همچنین آی تی سی این بازیکن نیز قرار است انتهای هفته جاری صادر شود.

علیپور: با اوساگونا هماهنگ‌ت می‌شویم

تراکتوری‌ها خودشان به داور پر خاش می‌کردند

مهاجم تیم پرسپولیس گفت: با اشاره به مشکلات مالی تیمش می‌گفت: ما روز به روز بهتر خواهیم شد ولی امیدوارم مسئولان باشگاه نیز به وعده‌های خود عمل کنند.
علی علیپور بعد از برتری تیمش مقابل تراکتور در جمع خبرنگاران با اشاره به گلی که برای تیمش به ثمر رساند و نیم‌فصل را با گلزنی آغاز کرد اظهار داشت: خدا را شکر می‌کنم که این اتفاق افتاد و توانستیم در اولین بازی با هدایت کادر فنی جدید با قدرت جلو برویم. وی با اشاره به مشکلات مالی تیمش گفت: انتظار داشتیم قولی که از طرف مسئولان باشگاه داده شده قبل از بازی با تراکتور عملی شود و پرداختن بازیکنان به ۵۰ درصد برد ولی آنها به تعهداتشان عمل نکردند که امیدواریم این اتفاق بیفتدو در خصوص صحنه‌ای که منجر به مصدومیت خازنده شد و وی به داور اعتراض می‌کرد گفت:خازنده در آن صحنه خودش را الکی به زمین انداخت و من فکر می‌کنم تراکتوری‌ها از همان ابتدای بازی بی‌دلیل به داور پرخاش کرده‌وب از وی را به چنجال بردند مهم این بود که ما بازی را ببریم که این اتفاق افتاد.علیپور در خصوص عملکرد اوساگونا گفت: او بازیکن خوبی است و ما در تمرین با هم صحبت می‌کنیم که چه کاری انجام دهیم باید با هم هماهنگ‌تر شویم و فکر می‌کنم اگر هواداران حمایت‌مان کنند هم بهتر می‌شویم و هم امتیازات بیشتری جمع می‌کنیم.

هشدارهای سخت گیرانه‌ای که فرهاد دریافت کرد

پیروزی استقلال که در هفته گذشته امکانات مناسبی برای تمرین نداشت و تا چند روز قبل از بازی در پل‌اف لیگ قهرمانان آسیا حتی نمی‌دانست در بازی شرکت می‌کند یا نه و حتی نمی‌دانست کجا میزبان الکویت خواهد بود، با ۳ گل میدبخش بود.

استقلال که باید بازی تدارکاتی مناسب برای رویارویی با الکویت برگزار می‌کرد، حالا شاید پس از پیروزی مقابل الکویت در امارات، برای بازی با الریان آماده‌تر باشد.

استقلال دیروز ریتن نیم‌فصل اول را نداشت و این بدیهی بود. تغییر مربی و هفته‌ها تمرین و بازی بدون مربی، استقلال را از آهنگش خارج کرده بود و فرهاد مجیدی بی‌شک فرصت بیشتری می‌خواهد تا آهنگ جدیدش را بسازد. شاید یکی از کوشش‌های فرهاد این باشد که نشانه‌های مثبت تیم استراماچونی در استقلال زنده بماند اما حفظ آن پروژه موفق فنی کار ساده‌ای نیست و دقت و تبحر می‌خواهد. استقلال اگرچه از نظر فکر دیشب به تیم استراماچونی شباهت داشت اما در اجرا تفاوت‌های بسیاری را نشان داد. بخشی از این تفاوت‌ها البته به تمرینات نامنظم- به دلیل زمین نامناسب تمرین- و به سفر توأم با سرگردانی تیم به امارات مربوط است اما در استقلال آن هماهنگی‌های سابق بین زوج‌ها و ترکیب‌های کوچک وجود نداشتند. استراماچونی بازی استقلال را در تکه تکه زمین ساخته بود. او بازی‌های کوچک می‌ساخت تا بازی بزرگتر را بهتر اجرا کند اما استقلال دیروز مقابل الکویت آن بازی‌های کوچک را به بهترین نحو اجرا نمی‌کرد. برای فرهاد مجیدی شناسایی استقلال تازه شروع شده است. هر چقدر او از استقلال شناخت داشته باشد، شناخت از زوایه سرمربی حکایت دیگری دارد، چون شناسایی توأم با مسئولیت، مربی را مجبور به دقت و ظرافت بیشتر می‌کند.مجیدی برای مربیگری در استقلال به ذهنی آرام و خلاق نیاز دارد، فارغ از این جدل‌های روزهای اخیر. عصبانیت از آنچه بر استقلال می‌گذرد البته لازم است اما تمرکز و آرامش هم لازم است تا مجیدی بتواند مسیرهای درست فنی را انتخاب کند.بازی با الکویت برای فرهاد مجیدی بهترین فرصت بود تا با تیمش به عنوان سرمربی یک تجربه نزدیک در یک بازی حساس داشته باشد. این تجربه برای مجیدی می‌تواند برداشت‌های تازه درباره تیمش بسازد. استقلال باید بدشنه مقابل الریان بازی کند و و جدی‌تری تبدیل کند.فرهاد مجیدی دیشب به چشم دید که خط دفاعش می‌تواند خطر را به خط دروازه برساند. صحنه‌هایی که حسین حسینی درخشید، تذکری برای دفاع استقلال است.استقلال با استراماچونی هم به ایده‌آل‌هایش در دفاع نرسیده بود اگرچه دفاع ۳ نفره استقلال با استقلال همه مواجه شد اما هنوز سطح دفاع با آرایش جدید به کار و آموزش نیاز داشت. این کار و آموزش حالا مسئولیت جدید مجیدی است. استقلال تا بازی با الریان فرصتی ندارد و با توجه به اینکه پروازش به قطر مستقیم نیست، حتی فرصت برگزاری یکی دو جلسه تمرین مناسب هم وجود ندارد. این کار را برای مجیدی سخت می‌کند چون او حالا نیاز دارد که تیمش را با هشدارهای جدید فنی مواجه کند و زمان برای این کار کوتاه است. استقلال باید این هشدارهای سخت‌گیرانه را دریافت کند.

دیدار تیم‌های پرسپولیس و تراکتور به سود دیدار گل‌محمدی به پایان رسید.

دیدار تیم‌های پرسپولیس و تراکتور از ساعت ۱۵:۱۵ در ورزشگاه آزادی و در حضور حدود ۴۰ هزار تماشاگر برگزار شد که این دیدار با ۲ گل علیپور و امیری به سود پرسپولیس به پایان رسید. سرخپوشان پایتخت با این برد ۳۷ امتیازی شدند و فاصله خود را با سپاهان به عدد ۵ رساندند. گل‌محمدی نیز که تیم صدر جدول را تحویل گرفته بود اولین بردش را با پرسپولیس کسب کرد. تراکتور نیز با این نتیجه همان ۳۰ امتیازی باقی ماند. در این دیدار تماشاگران دو تیم در نیمه اول با پرتاب سنگ به سمت یکدیگر صحنه‌های زشتی را رقم زدند.

داور: محمدرضا اکبریان

کمک‌ها: آرمان اسعدی و سعید قاسمی
اختزار: مهدی تیکدری،رضا اسدی، سعید مهری و محمدرضا خازنده (تراکتور)
مهدی ترابی، شجاع خلیل‌زاده، اوساگونا، علیرضا بیرانوند، سید جلال حسینی، علی علیپور و محمد حسین کنعانی‌زادگان(پرسپولیس)

یحیی گل محمدی (سرمربی پرسپولیس)
اخراج: ساکت الهامی(سرمربی تراکتور)
گل: علی علیپور(۹) و وحید امیری (۵۵) برای پرسپولیس

ترکیب پرسپولیس: علیرضا بیرانوند، محمد انصاری، شجاع خلیل زاده، سید جلال حسینی، مهدی شیری، کمال کامیابی نیا، احمد نوراللهی، مهدی ترابی، وحید امیری، علی علیپور، اوساگونا(۸۷) محمد حسین کنعانی‌زادگان)
سرمربی یحیی گل‌محمدی
ترکیب تراکتور: رشید مظاهری، ایمان سلیمی،

آغاز ماجراجویی یچی برای امپراطوری سرخ‌ها؛

اولین برد پرسپولیس با یحیی زیر باران سنگ و کارت



محمدرضا خازنده، مهدی تیکدری، میثم تیموری (۵۸ سعید مهری)، اکبر ایمانی، رضا اسدی، مسعود شجاعی، اشکان دژاگه (۷۶ رضا شکاری)، احسان حاج صفی و ساسان انصاری (۶۳ اوکوجا)

سرمربی: ساکت الهامی
دقایق حساس:

دقیقه ۳: ارسال مهدی ترابی کامیابی‌نیا را در موقعیت گل قرار داد ولی ضربه وی از بالای دروازه تراکتور به بیرون رفت.

دقیقه ۴: حرکت دیدنی ساسان انصاری مدافعان پرسپولیس را به هم ریخت ولی ضربه این

بازیکن با اختلاف کم راهی اوت شد.

دقیقه ۹: پاس دیدنی امیری در عمق علیپور

را با مظاهری تک به تک کرد و ضربه مهاجم پرسپولیس از بالای دستان مظاهری گل اول بازی را رقم زد.

گل محمدی: نباید راحت کارت بگیریم

این برد تقدیم به سیل زده‌ها

شرایط بازی دور بودیم به همین دلیل ارزش ۳ امتیاز این بازی برای ما بسیار زیاد است.

مهره‌های هجومی ما کیفیت خوبی دارند

سرمربی پرسپولیس در ادامه صحبت‌هایش در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه در نیم‌فصل بار تهاجمی بازی روی مهدی ترابی بود اما به نظر می‌رسید در این بازی تقسیم وظایف صورت گرفته بود، تصریح کرد: ما در هر صورت یک تیم فوتبال هستیم و همه اعضا در دفاع و حمله نقش دارند. این را از همه می‌خواهم به وظایف خود عمل کنند به ویژه هجومی‌ها که در فاز حمله شرکت کنند. بازیکنان ما با کیفیت و باغیرت هستند که از نظر ذهنی قوی محسوب می‌شوند و خوب کار می‌کنند. می‌توان با آنها حرف‌های زیادی برای گفتن داشت. مهره‌های هجومی ما کیفیت خوبی دارند.

گل محمدی ادامه داد: دوست دارم همه در گلزنی شرکت کنند چرا که این موضوع کار را برای حریف سخت‌تر می‌کند. ترابی نیم‌فصل اول خیلی خوب بود و در بازی امروز هم خوب جنگید و فکر می‌کنم گل اول ما هم به خاطر حفظ توپ او بود که به ثمر رسید.

ناباید راحت کارت بگیریم

وی درباره کارت‌های زیادی که پرسپولیس در این بازی گرفت، یادآور شد: بازی حساسی بود و حساسیت بازی روی عملکرد هر دو تیم تاثیر گذاشته بود. این بازی فیزیکی بود به همین دلیل داور برای کنترل بازی خیلی کارت داد که البته درست بود. قبل از بازی به بازیکنانم گفتم نباید راحت اخطار بگیرند چون بازی‌های حساسی

نمایش پیروزی در زمین فوتبال



هم از کمیت‌ه اجرایی، ایران به جای شعار دادن در رسانه‌ها و تهدید بدون متواثانه به کارگیری، واکنش حقوقی متناسب نشان می‌داد؛ مثلاً توضیح می‌داد که ما خودمان را ملزم به رعایت این تصمیمات تازه نمی‌دانیم؛ چون بخشی از مقررات مسابقات نیست، باید از ای‌اف‌سی خواسته می‌شد که توضیح بدهد براساس چه مستنداتی به این نتیجه رسیده که ایران در زمان برگزاری بازی‌های لیگ‌قهرمانان، کشور امنی نیست. ایران فقط تأکید می‌کرد ما امنیت داریم اما ظاهراً در هیچ‌یک از نامه‌هایی که به کنفدراسیون فرستاد از آنها نخواست دلیلی برای ناامین شدن و مدارک دفاع کند؛ نه با گلی‌گویی. رفتار کنفدراسیون آسیا بعد از نخستین واکنش ایران، نشان داد که آنها برای مذاکره آماده‌اند و به هر دلیلی ترجیح می‌دهند باشگاه‌های ایرانی از لیگ قهرمانان آسیا کنار نکشند. ازجمله نشان‌های این تمایل، تمدید مهلت به ایران و قبول مذاکره حضوری نمایندگان او طرف در مالزی بود. حتی گفته می‌شود رکنس کنفدراسیون در تماسی غیرمستقیم با وزیر ورزش ایران، به او اطمینان داده که غیر از برگزاری ۲ بازی پلی‌آف در بیرون از خانه، هر شرط دیگری ایران داشته باشد، می‌پذیرد. نتیجه اما چه شد؟ نمایندگان ایران تقریباً بدون هیچ قيد و شرطی خواسته‌های ای‌اف‌سی را پذیرفتند.

نمایندگان ایران چه امتیازهایی در کمیت‌ه مسابقات مجوز گرفت و هم از کمیت‌ه مربی و هفته‌ها تمرین و بازی بدون مربی، استقلال را از آهنگش خارج کرده بود و فرهاد مجیدی بی‌شک فرصت بیشتری می‌خواهد تا آهنگ جدیدش را بسازد. شاید یکی از کوشش‌های فرهاد این باشد که نشانه‌های مثبت تیم استراماچونی در استقلال زنده بماند اما حفظ آن پروژه موفق فنی کار ساده‌ای نیست و دقت و تبحر می‌خواهد. استقلال اگرچه از نظر فکر دیشب به تیم استراماچونی شباهت داشت اما در اجرا تفاوت‌های بسیاری را نشان داد. بخشی از این تفاوت‌ها البته به تمرینات نامنظم- به دلیل زمین نامناسب تمرین- و به سفر توأم با سرگردانی تیم به امارات مربوط است اما در استقلال آن هماهنگی‌های سابق بین زوج‌ها و ترکیب‌های کوچک وجود نداشتند. استراماچونی بازی استقلال را در تکه تکه زمین ساخته بود. او بازی‌های کوچک می‌ساخت تا بازی بزرگتر را بهتر اجرا کند اما استقلال دیروز مقابل الکویت آن بازی‌های کوچک را به بهترین نحو اجرا نمی‌کرد. برای فرهاد مجیدی شناسایی استقلال تازه شروع شده است. هر چقدر او از استقلال شناخت داشته باشد، شناخت از زوایه سرمربی حکایت دیگری دارد، چون شناسایی توأم با مسئولیت، مربی را مجبور به دقت و ظرافت بیشتر می‌کند.مجیدی برای مربیگری در استقلال به ذهنی آرام و خلاق نیاز دارد، فارغ از این جدل‌های روزهای اخیر. عصبانیت از آنچه بر استقلال می‌گذرد البته لازم است اما تمرکز و آرامش هم لازم است تا مجیدی بتواند مسیرهای درست فنی را انتخاب کند.بازی با الکویت برای فرهاد مجیدی بهترین فرصت بود تا با تیمش به عنوان سرمربی یک تجربه نزدیک در یک بازی حساس داشته باشد. این تجربه برای مجیدی می‌تواند برداشت‌های تازه درباره تیمش بسازد. استقلال باید بدشنه مقابل الریان بازی کند و و جدی‌تری تبدیل کند.فرهاد مجیدی دیشب به چشم دید که خط دفاعش می‌تواند خطر را به خط دروازه برساند. صحنه‌هایی که حسین حسینی درخشید، تذکری برای دفاع استقلال است.استقلال با استراماچونی هم به ایده‌آل‌هایش در دفاع نرسیده بود اگرچه دفاع ۳ نفره استقلال با استقلال همه مواجه شد اما هنوز سطح دفاع با آرایش جدید به کار و آموزش نیاز داشت. این کار و آموزش حالا مسئولیت جدید مجیدی است. استقلال تا بازی با الریان فرصتی ندارد و با توجه به اینکه پروازش به قطر مستقیم نیست، حتی فرصت برگزاری یکی دو جلسه تمرین مناسب هم وجود ندارد. این کار را برای مجیدی سخت می‌کند چون او حالا نیاز دارد که تیمش را با هشدارهای جدید فنی مواجه کند و زمان برای این کار کوتاه است. استقلال باید این هشدارهای سخت‌گیرانه را دریافت کند.

اخبار

به جا مانده از پلی آف؛ خودزنی

امیر کریمی

استقلال بدون حتی یک جلسه تمرین کامل بازی را با برد تمام کرد. اگر ما به خودمان نیازیم و خودزنی نکنیم در مملکت خودمان حالا حالا با فاصله از کویت والکویت و امثالهم جلو هستیم. آرامش فرهاد مجیدی در مقام سرمربی استقلال و لب خط دیدنی است، به نظر می‌رسد لباس رسمی و کت شلوارچه کارها که نمی‌کند هرچند اصلاً به هیبت مجیدی همان گرمکن ورزشی بیشتر می‌آید. سه گل تاوان آنها که کم خرج نکردند تا ما را به کشور سوم و به نظر خودشان بی طرف بکشانند و به ریش ما به خیال خودشان بخندند، زهی خیال باطل، سه گل در جواب ای اف سی و عربستان رفقایش.

بیخود نبود کالدرون گزینه اول خود را دیپایانه

می دانست ولی چرا از شیخ به جونپور رسیده بود خدا می‌داند؟! بعد تمام و پاتوسی حالا در خط جلو استقلال یک هیولا یک تازی می‌کند گل می‌زند هت تریک می‌کند، دبل می‌کند، داخلی و خارجی ندارد. لیگ برتر و آسیا فرقی نمی‌کند. نقطه قوت او کنترل توپهای بلند و مستقیم در زمین حریف و نگه داشتن توپ تا اضافه شدن تیم به فاز حمله هست حالا اوفلا که خوب می‌نوازد و هواداران استقلال هم صفا می‌کنند. امید و دلخوشی هواداران آبی این روزها اوست.

حالا استقلالی‌ها اورا عقاب می‌دانند! انصافا سیوهای او بخصوص دراین شرایط برجنگ باشگاه و حاشیه‌هایش که کمرشکن شده تیم را در بازی سرپا نگه می‌دارد حضور او اگر دوباره افت نکند برای استقلال غنیمت بزرگی است.

توهم، با تصوراوری کلادر فوتبال ما بخصوص در مواجه با بازی عربی قابل درمان نیست البته ریشه در ناملایمات جامعه و عملکرد ضعیف کنفدراسیون آسیا در سالهای قبل هم دارد اما داور بازی به غیر از یکی دو صحنه خوب سوت زد و مشکلی نداشت.

ما که حس کردیم در کشور ثالث بازی می‌کنیم حالا شاید شبیه به جهنم آزادی نبوده باشد اگر ما اصلاً غریبه نبودیم هواداران بار دوازدهم تیم های پایتخت هستند و حضورشان در ورزشگاه نعمت، دبی و شارجه و قطر ندارد آنها در هر صورت هستند

با وجود سیلی از مشکلات خودساخته و کلی گره و اما و استرس سه بر هیچ پیروز شدیم حالا که از بعد روانی و ذهنی هم ریکاوری شدیم برای برد به قطر خواهیم رفت از خجالت خیلی ها در خواهیم آمد.

علاقانه ترین کار مجیدی و بزرگترین هنر او و همکارانش دست نزدن به سیستم تیمی استقلال بود که از زمان استرا به ارث رسیده بود. فوتبال بازی سختی نیست به شرطی که ساده و آسان بازی کنی.

ایرانی‌های گران؛

اسم خارجی‌ها بد رد رفنه!

حمیدرضا عرب

استخدام مربیان و بازیکنان خارجی بی‌کیفیت، فوتبال ایران را به لحاظ مالی با ضررهای بسیاری مواجه ساخته و حجم عظیمی از سرمایه‌ها را به باد داده است. نمونه‌های بسیاری در سال‌های اخیر بوده‌اند که با کمترین بازدهی ممکن سرمایه‌های فوتبال ایران را به کشورهای خود برده‌اند و جز چند فریم عکس و چند مصاحبه چیزی باقی نگذاشته‌اند. تردیدی نیست اگر رویه‌ای اصولی در استخدام و گزینش مربیان و بازیکنان خارجی وجود داشت و اجازه داده نمی‌شد هر نامی وارد فوتبال ایران شود، باشگاه‌ها وضعیت بهتری را تجربه می‌کردند و لااقل با بدهی‌های انباشته مواجه نبودند.عواملی همچون فقدان قوانین سخت و سخت از سوی سازمان لیگ و کمیته‌های سفت و سخت از فدراسیون فوتبال منشول کارند، دلایسیم و تطمیع برخی مسئولان باشگاه‌ها- حتی مدیران فاسد- و البته فقدان دانش مدیران در به وجود آمدن این فضا نقشی کلیدی ایفا کرده است اما نباید از یاد برد که قیمت‌گذاری بازیکنان و مربیان داخلی نیز هرگز با متر و معیار صحیحی همراه نبوده و عواملی همچون محبوبیت، موج رسانه‌ای، دلایسیم و این قبیل مسائل در بالا رفتن قیمت برخی مربیان و بازیکنان داخلی نقشی کلیدی ایفا کرده است. در میان مربیان داخلی هستند افرادی که قراردادها ۵ میلیاردی منعقد کرده‌اند که معادل دلاری‌اش چیزی حدود ۴۰۰ هزار دلار می‌شود. این ارقام برای برخی مربیان داخلی لحاظ شده و مشخص نیست که مدیران باشگاه‌ها بر چه اساس و با استناد به کدام قوانین داخلی اقدام به عقد چنین قراردادهایی کرده‌اند. سوال این است که چرا در کشوری که حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداختی‌ها در برخی باشگاه‌ها ندارد و به چه دلیل اجازه داده می‌شود باشگاه‌های فوتبال ایران راهی را بروند که بی‌شباهت به برخی کشورهای متحول دور و بر نیست؟حال اگر برخی مربیان یا بازیکنان، صاحب عقبه و دستاوردهای چشمگیری بودند می‌شد برای این قبیل پرداختی‌ها توجیه آورد اما وقتی به رزومه مربیان و بازیکنان نگاه می‌کنیم چیز شاقی نمی‌بینیم و حتی هستند برخی گزینه‌ها که از ورودشان به دایره مربیگری نیز زمان زیادی نمی‌گذرد و البته حقوق کارمندان در سال براساس قوانین و نظم خاصی افزایش می‌یابد (چیزی حدود ۲۰ درصد) که ارقام مجسمی‌هم نیست چرا در باشگاه‌های فوتبال که عموماً توسط شرکت‌های دولتی حمایت و اداره می‌شوند چنین ارقامی پرداخت می‌گردد؟ چرا دستگاه نظارتی توجیهی به پرداخت